

گنجینه یابی در باب عدل الهی

عالم تشیع، شرور و بلاایا

بر اساس درس گفتارهای انارکف

محمد حسین عصار

با مقدمه ای از استاد حسن طارمی



انتشارات نبأ

سرشناسه: عصار، محمد حسین، ۱۳۱۹-۱۳۸۸
 عنوان و پدیدآور: گفتارهایی در باب عدل الهی: عالم تشریع، شرور و
 بلا یا / بر اساس درس گفتارهای استاد فقیه: محمد حسین عصار /
 با مقدمه‌ای از استاد حسن طارمی / تدوین، تنظیم و تحقیق: محمد
 حسین کلاهی / ویرایش: عبدالحسین طالعی
 مشخصات نشر: تهران: مؤسسه فرهنگی نبأ، ۱۳۹۹.
 مشخصات ظاهری: ۲۶۰ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۶۴-۱۱۸-۲
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیفا.
 موضوع: عدل الهی، خیر و شر (اسلام).
 رده‌بندی کنگره: ۲۱۹ BP ۳
 رده‌بندی دیویی: ۲۹۷ / ۴۲
 شماره کتابخانه ملی: ۶۱۲۴۵۱۱



انتشارات نبأ

گفتارهایی در باب عدل الهی

بر اساس درس گفتارهای استاد فقیه محمد حسین عصار

با مقدمه‌ای از استاد حسن طارمی

تدوین، تنظیم و تحقیق: محمد حسین کلاهی

ویرایش: عبدالحسین طالعی

حروفچینی: انتشارات نبأ / صفحه‌آرایی: مشکاة / چاپ و صحافی: دالاهو، صالحانی

چاپ اول: ۱۳۹۹ / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه / قیمت: ۲۵۰۰۰۰ ریال

ناشر: انتشارات نبأ / تهران، خیابان شریعتی، بالاتر از خیابان بهار شیراز،

کوچه مقدم، نبش خیابان ادیبی، شماره ۲۶

تلفن: ۷۷۵۰۶۶۰۲ فاکس: ۷۷۵۰۴۶۸۳

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۶۴-۱۱۸-۲ - ۹۷۸-۶۰۰-۲۶۴-۱۱۸-۲ - ۹۷۸-۶۰۰-۲۶۴-۱۱۸-۲ - ۹۷۸-۶۰۰-۲۶۴-۱۱۸-۲

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۲۵	شیوه تدوین
۳۳	گفتار اول: ماده، صورت و خیریت عالم تشریع
۳۳	اعتقاد فلاسفه‌ی مسلمان در باب عالم تشریع و شرع
۳۶	مقبولیت عینیت شرور در معارف کتاب و سنت
۳۷	علت بحث از عالم تشریع: تبیین منبع شرور
۳۸	ماده و صورت عالم تشریع
۴۰	منبع شرور
۴۵	پی‌نوشت
۵۹	گفتار دوم: عالم تشریع؛ واقعی یا انتزاعی؟
۵۹	مقدمه
۵۹	واقعی بودن عالم تشریع
۶۱	واقعی بودن ماده‌ی عالم تشریع
۶۱	واقعی بودن صورت عالم تشریع
۶۲	آثار نفس‌الأمری احکام تشریعی

۶۵	گزیده‌ای از تقریرات اصولی میرزای اصفهانی
۸۱	نمره‌ی بحث
۸۱	یکم. در بحث شرور
۸۱	دوم. آثار وضعی اعمال
۸۳	پی‌نوشت

۸۹	گفتار سوم: نخستین معنای اصطلاح «شَرّ بالعرض»
۸۹	مقدمه
۹۷	روم. تفکیک میان «شَرّ» و «قیح»
۱۰۱	معنای یکم «شَرّ بالعرض»
۱۰۳	نتیجه‌گیری
۱۰۴	لزوم تفکیک میان قدیم الهی و فعل بندگان
۱۱۱	پی‌نوشت

۱۲۷	گفتار چهارم: معنای دوم اصطلاح «شَرّ بالعرض»
۱۲۷	مقدمه
۱۳۱	مروری بر برخی مبانی مکتب معارف
۱۳۱	مقدمه یکم: بدهت عقلی خیر و شر
۱۳۲	مقدمه دوم: خلق ماء بسیط و انقسام آن به دو بحر «خیر» و «ملح اجاج»
۱۳۳	حقیقت خیر و شر
۱۳۵	معنای دوم «شَرّ بالعرض»
۱۳۶	تکمله
۱۳۹	پی‌نوشت

۱۶۳	گفتار پنجم: نسبی بودن شرّ در فلسفه‌ی اسلامی
۱۶۳	با محوریت کتاب «عدل الهی» استاد استاد مطهری
۱۶۳	مقدمه

۱۶۳	علت استناد به عبارات مرحوم استاد مطهری
۱۶۸	درآمدی بر روش تقلید و فیلسوفان مسلمان در خداشناسی
۱۷۳	نقدی بر «نسبیت شر»
۱۸۴	نقد «زشتی: نمایانگر زیبایی‌ها»
۱۸۷	نقد «مصائب، مادر خوشبختی‌ها»
۱۹۳	پی‌نوشت
۲۱۵	گزارش ششم: موضع مکتب معارف در قبال «شرّ عدمی»
۲۱۵	مقدمه
۲۱۶	شرّ عدمی در فائده اسلامی
۲۲۱	اشکالات ابن‌رنگار
۲۲۷	موضع مکتب معارف در قبال «شرّ عدمی»
۲۳۳	یکم. بررسی سندی
۲۳۳	دوم. مرور محتوایی
۲۳۷	سوم. معنای وجدان ترکیبی
۲۳۹	چهارم. لذت نعمت وجود
۲۴۲	پنجم. تفاوت عدم با مرگ
۲۴۳	ششم. شرّ عدمی، علت نمی‌خواهد
۲۴۳	هفتم. شرح عبارت «و الشرّ لیس الیک»
۲۴۵	پی‌نوشت
۲۵۵	کتابنامه
۲۵۸	مقالات
۲۵۹	نسخ خطی

بسم الله الرحمن الرحيم و بعون وليه

مقدمه

ادای احترام

مرور قریب به نیم قرن خطرات و نظم بخشی به آن ها سهل و ساده نیست، اما شدنی است، به ویژه آن گاه که با نگرانی فرا نمودن خصال ستوده مردی از تبار مرزبانان حریم قدس مهدوی باشد. هنگامی که دست گرامی، جناب آقای محمد حسین شهری، مدیر کوشا و صادق مؤسسه فرهنگی نهاده سازی مجموعه ای از درس گفتارهای استاد فقید مرحوم مهندس محمد حسین عصار - تغمده الله برحمته فی فسیح جنانه - برای نشر خبر داد، به غایت مسرور شدم و این دست نوشته، و چون اظهار کرد که مایل است این بنده مقدمه ای بر این اثر ارجمند قلمی کنم، در رنگ پذیرفتم، چرا که هم ادای دین بود و هم افتخار.

اما نخستین آشنایی راقم این سطور با شادروان مهندس عصار در سال ۱۳۵۲ بر می گردد؛ آن آشنایی که در قالب درس آموزی در جلسه درس آن فقید صورت گرفت، بعدها به دستگیری در تدوین دروس معارف انجامید و شاید از آن پس صبغه دوستی و ارادت ایمانی یافت و در فترت هشت ساله تحصیلی اینجانب در حوزه علمیه قم، با دیدارهای هر از گاه و علی الاغلب همراه با مذاکرات علمی برقرار ماند، و بار دیگر در صورتی جدید از درس و مباحثه رخ نمود که تا واپسین روزهای حیات آن مرحوم ادامه داشت.

اینک تصویری که در سراسر این دوران، از آن مرد در ذهن و خاطر مانقش بسته

است، چنین است: انسانی باورمند به ارکان و اصول دین، با اخلاص، مصمم، دقیق‌النظر، سخت‌کوش، محتشم، تقلیدگریز، دانشمند، شائق به دانستن، فروتن، شهرت‌گریز، خدمت‌رسان، ضد تظاهر - نه برای نشان دادن و نه برای انکار - اهل عبادت، شدیداً ملتزم به احکام مالی دین و رعایت حق الناس، منصف، شاگردپرور، مبادی آداب و اهل رعایت ادب رفاقت، منضبط و بابرنامه.

از همان اوّلین آشنایی بنویسم. جلسه‌ای بود متشکل از حدود بیست تن در سنین ۱۸ تا ۲۰ ساله و غالباً دانش‌آموز سال آخر دبیرستان و دانشجوی سال‌های اول و دوم در رشته‌های فنی و پزشکی و سایر علوم کاربردی. موضوع آن درس «نقد ایقان» بود. کتابی تفصیلی در سه مجلد رحلی و مجموعاً حدود ۷۵۰ صفحه که به خامه عالم محقق بسیار زیاده و سوخته قطب عالم امکان صاحب‌العصر و الزمان، خادم‌الحجة، مرحوم آیت‌الله آقا - اچ - شیخ محمود حلبی خراسانی - رضوان الله علیه و حشره مع موالیه الکرام - در بر روی همه جانه کتاب ایقان میرزا حسینعلی نوری مشهور به بهاء‌الله. آن کتاب که رساله خالوه دم خوانده شده، در دو بخش تألیف شده است: بخش نخست در اثبات قائمیت سید علم - اچ - شیرازی معروف به باب و بخش دوم در اثبات مَنْ يُظهِرُهُ اللَّهُ شَخْصَ میرزا حسینعلی که هائیان او را مؤسس مسلک خود می‌دانند.

باری، همه اعضای این جلسه یک دوره دو یا سه ساله مباحث استدلالی درباره وجود مقدس امام عصر عجل الله فرجه الشریف، خاندان یامد مکرم اسلام و نیز تاریخچه فرقه ضالّه و خاستگاه آن شامل عقاید شیخیه و بابیه و نیز معانی مبلمان فرقه تحت عنوان دلیل تقریر را گذرانده بودند و اینک قرار بود در مباحث عمیق‌تر مباحث مرتبط با آن فرقه را فراگیرند.

به سبک آن روزها که جلسات دینی در خانه‌های اشخاص و بدون تشریفات تشکیل می‌شد، محل جلسه ما هم خانه مرحوم احمدیان، از بازاریان با اخلاص و خدوم بود که اصالتاً اهل خطّه آذربایجان بود و در تیمچه حاجب‌الدوله حجره‌ای داشت و به فروش و تعمیر لوازم برقی (از قبیل سماور، بخاری، اتو و...) می‌پرداخت. او یک طبقه از خانه ساده و متوسط خودش را به برگزاری این جلسات اختصاص داده

بود و با نشاطی دلنشین جای آماده می کرد و بی آن که سخنی بگوید، با چهره ای متبسم به تمشیت امور می پرداخت. این کاسب مؤمن در سال ۱۳۸۷ درگذشت. رحمة الله علیه.

نیاز به تأکید ندارد که اعضای جلسات درس، به انگیزه دینی و بی هیچ الزامی، در این برنامه ها شرکت می کردند، اما نیک می دانستند که انضباط و التزام به مقررات جلسه درس ضروری است، به ویژه آن که مدرس این جلسه آقای مهندس عصار بود، با سیمایی جدی، پوششی به قاعده و سلوکی بدون تعارف. در معرفی اولیه به ما گفتند که ایشان را «التحصیل دانشکده پلی تکنیک (نام کنونی آن: دانشگاه امیرکبیر) در رشته برق و رای مدرک فوق لیسانس (به اصطلاح امروز: کارشناسی ارشد) است و کارمند اداره برق و صاحب شرکتی بازرگانی. ضمن آن که در سال های دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ یعنی دوره کثرت تبدیل های تشکیلات بهایی، پس از آشنایی و درس آموزی نزد مرحوم آقای حلبی، در مناظرات با نمایان آن فرقه و آشکار کردن نادرستی های ادعاهایشان ید طولایی داشته و در برپیدن بساط تبلیغی آنان سخت کوشا بوده است. بعدها از دوستانی دیگر شنیدم که در این چهاراب، از نوازش های قهرآمیز آن حضرات نیز بی بهره نمانده بوده است و البته او و همایاران همراهش، این همه را جز به شوق خدمتگزاری آستان امام حتی غایب انجام نمی دادند. باور داشتند که عنایات آن امام همام همواره راه گشا و پشتیبان شان است.

کتاب نقدایقان، به اقتضای موضوعش، مشحون از احادیث علمی در مقولات دینی، استدلال های فلسفی و کلامی، مباحث تفسیری، شرح و بررسی احادیث، مطالب تاریخی و لغوی و امثال آن بود و فراگیری آن ها برای شاگردانی در این نوع سنی و تحصیلی، آن هم در ساعات فراغت و بعد از گذراندن یک روز درسی در دانشگاه، چندان ساده نبود. باید استادی قوی که خود محتوا را به خوبی هضم کرده باشد درس می گفت. عصار چنین بود. خلاصه و لب مطالب را به دقت بیان می کرد و متن را توضیح می داد. در آغاز هر جلسه از آن چه درس گفته بود می پرسید و علی القاعده توان علمی حاضران را محک می زد، اصرار او بر فهمیدن مطالب و نه فرا گرفتن صرف، از نحوه پرسش ها و کندوکاو پاسخ ها مشهود بود. نظم جلسه و حضور به موقع را نیز در نظر داشت.